

ابزار تنبیه برای تغییر رفتارهای نامطلوب افراد، به ویژه کودکان در زمینه تربیت، پیش از همه به ذهن خطور می‌کند، در صورتی که عده زیادی از متخصصان تعلیم و تربیت به دلیل مضرات زیاد تنبیه با این شیوه مخالفند؛ گرچه برخی مواقع به عنوان آخرين روش، آن را مجاز می‌شمارند. هدف از تنبیه کاهش رفتار است؛ بدین‌روی باید مشخص گردد در چه سطحی و چه شرایطی توسط چه کسانی در چه زمانی باید از آن استفاده کرد.

دیدگاه اسلامی درباره تنبیه این است که تحت شرایطی می‌توان برای تأدیب تنبیه را به کار برد. البته تنبیه صرفاً بدنی نیست، بلکه اخطار، تذکر، هشدار، سرزنش و غیر آن را هم شامل می‌شود. در این مقاله، نقش تنبیه به عنوان یک شیوه تغییر رفتار با نگرش دینی بررسی شده است. تلاش بر این است که با مراجعه به منابع دینی و به شیوه اسنادی و توصیفی، جایگاه و نقش تنبیه در این منابع و آموزه‌های دینی روشن شود.

کلید واژه‌ها : تنبیه، تأدیب، تخلف، تربیت، تقویت.

مقدمه

«تبیه» عبارت از ارائه یک محرك آزارنده یا تنبیه‌کننده به دنبال رفتاری نامطلوب برای کاهش احتمال آن رفتار است. برای مثال، اگر پس از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک - مثلاً، گفتن یک حرف زشت - با ارائه یک محرك آزارنده - مثلی سیلی زدن به او - خواسته باشیم احتمال بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم او را تنبیه کرده‌ایم.

آیا تنبیه یک روش تربیتی است؟ کارایی آن در چه سطحی است؟ شرایط استفاده از آن چیست؟ چه کسانی اجازه اعمال آن را دارند؟ اسلام در این زمینه چه دیدگاهی دارد؟ روان‌شناسان و مربيان تربیتي چه مي‌گويند؟ اينها و پرسش‌هايي از اين دست در محافل تربیتي زياد مطرح‌شد. معروف شده است که تنبیه از نظر روان‌شناسان، به دليل آثار منفي که از خود بر جاي مي‌گذارد، مطرود و ممنوع است و باید از آن اجتناب کرد، اما بيشتر دانشمندان و علمای اسلامی تنبیه را از نظر اسلام جايز دانسته و برای آن شرایط و حدودی تعیین کرده‌اند. درباره تنبیه در اسلام بحث‌هايي از سوی برخی متخصصان صورت گرفته که معمولاً به ذكر نظریات و فتاوای برخی از فقهاء اكتفا شده و تفحص کمتری در روایت شده است. از سوی ديگر، فقهاء اسلامي نيز معمولاً به بيان حكم فقهی مسئله اكتفا کرده و به جنبه‌های تربیتی و اخلاقی و کم و کيف تنبیه در روایات کمتر پرداخته‌اند. به دليل آنکه روش شدن اين بحث، به ویژه از نظر اسلام، در محافل تربیتي از اهمیت خاصی برخوردار است، در اين مقاله، روایاتي که در اين زمینه وارد شده و نيز سؤالات مزبور، از منظر اسلام پاسخ داده مي‌شوند. در پايان نيز با اشاره به نظر برخی روان‌شناسان و مربيان تربیتي نشان داده خواهد شد که نظر روان‌شناسان و مربيان تربیتي چقدر بانظر اسلام هماهنگ است.

تعاريف اصطلاحي و لغوی «تبیه»

الف. تعریف لغوی

«تبیه» در لغت، به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چيزی و آگاه و هوشيار کردن آمده است².

ب. تعریف اصطلاحی

در اصطلاح، «تنبیه» به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه کردن و هوشیار ساختن باشد و دست‌کم، در سه معنا به کار رفته است:

1. حذف پاسخ مثبت از یک موقعیت و یا اضافه کردن پاسخ منفي به آن؛ از نظر/سکینر، تنبیه به این معنا به کار رفته است. وي مي گويد: «تنبیه زمانی رخ مي دهد که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف و یا چیزی منفي به آن بيفزايم. به زبان متداول، مي توان گفت: تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم است که خواستار آن است، يا دادن چیزی است به او که طالب آن نisit³ ».».

جان لیانز و همکاران او نیز مي گويند: «تنبیه عبارت است از: ارائه محرك ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت بلا فاصله بعد از انجام یک رفتار».«تنبیه» به این معنا را «تنبیه به معنای عام» می گوییم.

2. ارائه پاسخ منفي؛ یکی از روان‌شناسان مي گويد: «تنبیه عبارت است از ارائه یک محرك آزارنده یا تنبیه‌کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. برای مثال، اگر بعد از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک - مثلاً، گفتن یک حرف زشت - با ارائه یک محرك آزارنده - مثل سیلی زدن به او - خواسته باشیم که احتمال بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده‌ایم».«تنبیه» به این معنا را «تنبیه به معنای خاص» می گوییم.

3. تنبیه بدنی یا کتك زدن؛ گاهی مراد از «تنبیه» همین معناست که آن را «تنبیه به معنای اخص» می گوییم.

روشن است که طبق معنای اول (معنای عام) تنبیه، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد که عبارت است از: تغافل، بی‌اعتنایی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم‌سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما طبق معنای دوم (معنای خاص) تنبیه دیگر شامل؛ تغافل، بی‌اعتنایی، محروم‌سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی‌شود.

آنچه از میان این معانی سه‌گانه مورد تردید و بحث واقع شده، قسم سوم (تنبیه به معنای اخص) است، گرچه برخی از مصادیق تنبیه به معنای دوم (معنای خاص) مانند: تهدید، تحقیر، سرزنش و تمسخر نیز کمابیش مورد رد و انکار واقع شده. بنابراین، بیشترین تلاش بر این است که بینیم روایات معصومان علیهم السلام درباره تنبیه بدنی کودک چه می گویند. انحصار بحث به تنبیه کودک نیز به دلیل اهمیت تربیتی آن در این دوران است.

تنبیه کودک در روایات

پیش از ورود به بحث، تذکر این نکته لازم است که قطع نظر از روایات، تنبیه کودک جایز نیست؛ زیرا خدای تعالی انسان را آزاد آفریده و کسی بر دیگری تسلط ندارد، مگر اینکه او اجازه دهد. علاوه بر این، تنبیه و زدن دیگری اذیت و ظلم به اوست و این کار در شرع نهی شده است؛ چنان‌که برخی روایات آن را حرب با خدا و کفر می‌دانند! بن‌ایی عمری از معاویه نقل می‌کند که از امام صادق علیهم السلام درباره قول خدای سبحان «وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ» سؤال کردم، امام فرمود: هر ظلمی الحاد است و زدن خادمی که گناه نکرده، از این الحاد است⁶.

بنابراین، اگر نتوانیم از روایات باب «تنبیه» جواز آن را استفاده کنیم، اصل عدم جواز به جای خود باقی است. نیز در مواردی که شک در جواز داریم باید به اصل عدم جواز تمسّک کنیم. درباره تنبیه کودک، روایات متعددی از پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که از مجموع آنها می‌توان استفاده کرد اصل تنبیه کودک به منظور تربیت و تأديب او جایز است. از

این روست که تقریبا تمام فقهها به جواز تنبیه کودک فتوا داده‌اند؛ اما در کم و کیف آن و اینکه چه کسی چنین اجازه‌ای دارد، اختلاف کرده‌اند.

به طور کلی، در زمینه تنبیه سه دسته روایت از آئمّه معمومین علیهم السلاموارد شده است:

دسته اول روایاتی که اجازه تنبیه کودک را به حاکم می‌دهد تا در برابر گناهانی که کودک انجام می‌دهد – مانند سرقت، زنا و لواط – او را تنبیه و تعزیر کند. به دلیل آنکه این دسته از روایات درباره حقوق کیفری‌اند و تحقق آنها به دست قاضی است و با بحث حاضر، بیگانه است، از بحث درباره آنها صرف نظر می‌کنیم.

دسته دوم روایاتی‌اند که تنبیه کودک را در جهت تربیت و تأديب او برای پدر و معلم جایز می‌شمارند.

دسته سوم روایاتی‌اند که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می‌شمارند.

روایت دسته دوم و سوم به بحث ما مربوطند. بنابراین، به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

1. اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کرد: گاهی من غلام خود را به خاطر خلافی که مرتکب می‌شود می‌زنم، امام پرسیدند: چقدر او را می‌زنی؟ گفتم: چه بسا صد تا. امام فرمودند: صدتا! صدتا! این را دو بار تکرار کردند، سپس فرمودند: حدّ زنا را می‌زنی؟ از خدا بترس! عرض کرد: جانم به قربانت! پس چقدر جایز است بزنم؟ امام فرمودند: یکی. گفتم: به خدا قسم، اگر او بداند که بیش از یکی او را نمی‌زنم، همه چیز را از بین می‌برد. امام فرمودند: پس دو تا بزن. گفتم: اگر چنین باشد هلاک خواهم شد. اسحاق می‌گوید: باز هم با امام چانه زدم تا ایشان به پنج تا راضی شدند. سپس ناراحت شدند و فرمودند: ای اسحاق، اگر حدّ جرم را می‌دانی آن را اقامه کن و از حدود خدا تجاوز نکن.⁷

2. حمّاد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ادب کودک و عبد پرسیدم. امام فرمودند: پنج یا شش ضرب و تا می‌توانی مدارا کن⁸.

3. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: کودکان مکتبی نوشته‌های خود را نزد امیر المؤمنین علیه السلام آورند تا بهترین آنها را انتخاب کنند. امام فرمود: این کار قضاوت است و جور در آن مثل جور در قضاوت است. به معلمتان بگویید: اگر بیش از سه ضربه برای تأديب به شما بزند قصاص خواهد شد.⁹

4. از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ نیز نقل شده است که ادب کودک سه ضربه‌است و افزون بر آن روز قیامت قصاص می‌شود.¹⁰

5. زرارة می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: درباره زدن مملوک چه می‌فرمایید؟ امام فرمودند: هر کاری که خودش انجام داد چیزی بر او نیست، اما اگر تو را عصیان کرد، زدن او اشکالی ندارد. گفتم چند تا؟ امام فرمودند: سه تا یا چهار تا و یا پنج تا.¹¹

در اینجا تذکر این نکته لازم است که در روایات، حکم عبد و کودک دست کم از حیث تنبیه و تأديب، یکی است. در روایت دوم نیز از امام درباره ادب کودک و عبد سؤال شد، امام تفاوتی قابل نشدن و برای هر دو یک پاسخ فرمودند.

6. حضرت رسول صلی الله علیه وآلہ فرمودند: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید.¹²

روایات دیگری نیز در این باره وجود دارند که برای رعایت اختصار، ذکر نمی‌شوند.

نظريات فقهی در باب تنبیه

در اينجا نظر برخی از فقهاء را به اختصار ذکر می‌كنيم:

لله العظيم اراكى رحمه الله:

سؤال: هرگاه، پدر، فرزند خود را به قصد تأديب مورد ضرب قرار دهد، آيا ديه دارد يا نه؟

جواب: هرگاه تأديب طفل متوقف باشد بر ضرب، جائز است، ولی باید سرخ و کبود نشود.¹³ ...

لله العظيم بروجردي رحمه الله: اگر بچه يكى از گناهان كبيره را انجام دهد، ولی يا معلم او مي‌تواند به قدری که ادب شود و
ديه واجب نشود او را بزند.¹⁴ .

لله العظيم گلپايگاني رحمه الله: اگر بچه يكى از گناهان كبيره را انجام دهد، ولی يا دیگری به اذن ولی او می‌تواند به قدری که
ادب شود و ديه وارد نشود او را بزند.¹⁵ .

لله العظيم امام خميني قدس سره: گفته شده است که در ادب کودک، زدن بيش از ده شلاق کراحت دارد؛ ولی ظاهر اين است
که ادب کودک باید با توجه به نظر ادب‌کننده و ولی کودک باشد؛ گاهی مصلحت کودک اقتضا می‌کند که کمتر از ده شلاق به او
زده و گاهی اقتضای بيشتر از ده شلاق می‌کند، ولی در هر حال، نباید از تعزير فرد بالغ بيشتر شود، بلکه احتیاط اين است که
از تعزير فرد بالغ هم کمتر باشد و احوط از آن اين است که به پنج و شش شلاق اکتفا شود.¹⁶ .

حكم شرعی تنبیه

آيا از نظر اسلام تنبیه کودک جائز است؟

با توجه به روایات ذکر شده، کاملاً روشن است که اصل زدن کودک برای تأديب و تربیت او جائز است و از اين روست که
عموم فقهائي شيعه و حتى اهل سنت به جواز تنبیه کودک فتوا داده‌اند. کرکي در جامع المقاصد در شرح قول علامه مي‌نويسد:
در زدن معمول بحثي نیست¹⁷. نیز عاملی در مفتاح الكرامه می‌نویسد: در زدن معمول بحثی نیست؛ همچنان که
در جامع المقاصد آمده و آن هنگامی است که کودک صاحب عقل و قدرت تمیز باشد؛ همچنان که این مطلب در
كتاب تذکره و تحریر و حواشی آن در باب اجازه و باب دیات آمده است.¹⁸ .

روشن است که دليل عدم بحث، روایاتي است که ذكر شدند. علاوه بر اينها، از روایاتي که به تأديب کودک امر و توصيه
مي‌کنند نیز چنین استظهار می‌شود؛ چراکه گاهی انسان در تربیت کودک ناچار از تنبیه اوست و اگر تنبیه جائز نباشد تربیت
میسر نمی‌شود.

اجازه تنبیه

چه کسانی اجازه تنبیه کودک را دارند؟

همه فقهاء این اجازه را برای پدر، پدر بزرگ و جد پدری و حاکم شرع اثبات کرده‌اند؛ اما درباره معلم و مؤدب کودک برخی این اجازه را مطلق و برخی دیگر آن را مشروط به اذن پدر یا حاکم شرع دانسته‌اند. ظاهر روایات اول و دوم نیز این اجازه را برای پدر اثبات می‌کند و چون پدر بزرگ و جد پدری حکم پدر را دارند، برای آنها نیز ثابت است. شاهد این مطلب هم دو روایتی است که در آنها از ادب یتیم سؤال شد و امام فرمودند: در مواردی که فرزند خود را تأدیب می‌کنی، یتیم را نیز تأدیب کن.¹⁹ همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت سوم، این اجازه را به معلم می‌دهند.

بنابراین، در این دو مورد بحثی نیست؛ اما آیا مادر نیز چنین اجازه‌ای دارد؟ شاید بتوان به این سؤال پاسخ مثبت داد؛ زیرا هدف از تنبیه، تأدیب و تربیت کودک است و کسی که امر تربیت را بر عهده دارد باید چنین اجازه‌ای داشته باشد. شاهد این مedula آن است که حضرت علی علیه السلام این اجازه را به معلم می‌دهند و آن را مشروط به اذن پدر نمی‌کنند (روایات سوم) و این از آن نظر است که معلم تربیت کودک را بر عهده دارد. پس مادر نیز باید چنین اجازه‌ای داشته باشد؛ زیرا تربیت کودک بر عهده او نیز هست.

میزان تنبیه

تا چه حد می‌توان کودک را تنبیه کرد؟

به این پرسش از دو نظر باید پاسخ گفت: یکی از نظر کمیت و دیگری از جهت کیفیت. اما از نظر کمیت، باید گفت: روایات جواب‌های متفاوتی داده‌اند. برخی سه تا، برخی چهارتا، برخی پنج و برخی دیگر شش تا را مطرح کرده‌اند، ولی در جمع بین این روایات، می‌توان گفت: برای معلم زدن بیش از سه تا جایز نیست؛ زیرا در معتبر سکونی، امام بیش از سه تا را برای معلم جایز ندانسته و فرموده‌اند: قصاص خواهد شد. اما برای پدر، پدر بزرگ، جد پدری و شاید مادر بیش از شش تا زدن جایز نیست که البته به حسب تفاوت موارد، تعداد ضرب هم متفاوت می‌شود؛ ولی در هر حال، بیش از شش تا جایز نیست و اختلاف در روایات و یا تردید بین سه و شش در یک روایت را به اختلاف موارد بر حسب سن کودک، قوت و ضعف، مقدار تخلف و مصلحت او حمل می‌کنیم.

کیفیت تنبیه

درباره کیفیت تنبیه کودک، آنچه از روایات استفاده می‌شود، چند نکته است:

الف. باید خلاف کودک را نادیده انگاشت و در صورتی که کودک عمل خلاف را تکرار نکند و بر آن اصرار نداشته باشد، این عمل را به رخ او نیاورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال جری نسبت به عصیان اهل و خانواده او تا سه مرتبه فرمودند: آنها را ببخش و عفو کن، و در مرتبه چهارم فرمودند: اگر تنبیه کردي، به اندازه جرم و گناه او را تنبیه کن.²⁰

ب. همواره باید با کودک، حتی در تنبیه او، با نرمی و مدارا برخورد کرد. امام صادق علیه السلام به حمّاد بن عثمان فرمودند: پنج تا شش تا بزن و با او مدارا کن، که مسلمًا مدارای در کیفیت مراد است اگر نگوییم مدارای در کمیت هم مراد است.²¹

ج. باید از زدن به جاهای حساس بدن کودک پرهیز کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: از زدن به سر و صورت بپرهیز.²²

د. تنبیه کودک نباید آنقدر شدید باشد که موجب سرخ شدن یا کبود شدن بدن او شود؛ زیرا در این صورت، موجب پرداخت دیه توسط تنبیه‌کننده می‌شود، حتی اگر تنبیه‌کننده پدر باشد²³.

سن تنبیه شونده

در چه سنی می‌توان کودک را تنبیه کرد؟

از روایاتی که تنبیه کودک را به دلیل ترك نماز جایز می‌دانند، استفاده می‌شود که وقتی کودک خوب و بد را درک کند و بتواند بین خوب و بد تمیز دهد و عقل خود را در این زمینه به کار گیرد، می‌توان او را تنبیه کرد؛ زیرا برخی از این روایت تنبیه بر ترك نماز را در هفت سالگی جایز می‌دانند،²⁴ برخی در نه سالگی²⁵ و برخی در ده سالگی²⁶.

از این‌رو، می‌توان گفت: در این سنه‌کان بر حسب تفاوتهای فردی می‌توانند بین خوب و بد تمیز دهند و مسائل را درک کنند. شاهد این جمع، روایتی است که می‌گوید: کودک هرگاه نماز را درک کرد باید نماز بخواند. سؤال شد: چه وقت کودک می‌تواند نماز را درک کند؟ امام فرمودند: در نه سالگی²⁷. در روایتی دیگر امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «هنگامی که کودک به احتمام نزدیک شد و نماز و روزه را شناخت²⁸».

بنابراین، می‌توان گفت: گرچه این روایات در باره تنبیه کودک بر ترك نماز هستند، ولی در موارد دیگر هم جاری‌اند؛ زیرا هدف از تنبیه کودک تأديب و تربیت اوست و وقتی کودک نتواند بدی و خوبی امور را تشخیص دهد و علت تنبیه را درک کند، اگر او را تنبیه کنیم به هدف نخواهیم رسید. همچنین در روایتی، امام صادق علیه السلام در باره کودکی که دزدی کرده بود، فرمودند: از او بپرسید آیا می‌داند که دزدی عقوبت دارد؛ اگر می‌دانست بپرسید عقوبت آن چقدر است؟ اگر نمی‌دانست رهایش کنید²⁹. حال اگر علم به عقوبت داشتن در تنبیه دخالت دارد، آیا درک خوبی و بدی عمل و شناخت علت تنبیه دخالت ندارد؟

بر چه اعمالی می‌توان کودک را تنبیه کرد؟ آیا بر هر عمل خلافی که از کودک سر زد می‌توان او را تنبیه کرد یا فقط بر گناهان می‌توان او را تنبیه کرد؟ برخی گفته‌اند: روایات باب «تبیه» از گناهانی که کودک ممکن است انجام دهد، منصرفند؛ چراکه برای آنها تعزیر معین شده و یا به دلیل وحدت پاسخ امام نسبت به تنبیه کودک و عبد³⁰ - به این بیان که چون در آن روایت جواب امام نمی‌تواند شامل عبدي که یکی از گناهان را انجام داده است بشود، زیرا در این صورت برای او حد یا تعزیر معین شده است - پس تنبیه کودک نیز در این روایت و نظایر آن، باید منصرف به غیر گناهان باشد. ولی این استدلال چندان صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً، در این روایت، از تعداد ضرب سؤال شده، نه مواردی که تنبیه جایز است.

ثانیاً، مانعی ندارد که ادب عبد در امور عادی باشد، ولی ادب کودک در اموری اعم از عادی و محرم؛ چه اینکه برای عبد در امور محرم حد و تعزیر است، ولی برای کودک نیست، بلکه برای او تأديب است. علاوه بر این، در برخی روایات تنبیه کودک را بر ترك نماز جایز می‌دانند. در نسخه کافی، از این روایت به جای عبارت «في بعض ما يحرم»، عبارت «في بعض ما يحرّم» آمده است و اینکه روای می‌گوید من غلام خود را تا صد تازیانه زده‌ام، خود حاکی از این است که مرتكب گناه بوده و او به تصور خودش، حد جاری می‌کرده است. امام نیز در پایان می‌فرمایند: اگر حد جرم را می‌دانی آن را جاری کن.

بنابراین، نمی‌توان روایات باب «تبیه» را از گناهان منصرف دانست؛ اما آیا شامل امور عادی، اخلاقی و اجتماعی هم می‌شود یا تنها شامل امور محرم می‌شود؟ آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که در مواردی که به تأديب و تربیت کودک

مربوط می‌شود، می‌توان او را تنبیه کرد، خواه این خلاف از خلافهای اخلاقی، عرفی یا اجتماعی باشد که از نظر شرع گناه محسوب نمی‌شوند و یا خلافی باشد که از نظر شرعی گناه محسوب می‌شود؛ زیرا در غالب این روایات، سؤال از ادب کودک است که تقریباً معادل تربیت امروزی است و اگر نگوییم مراد آنها تنها اموری است که از لحاظ شرعی گناه محسوب نمی‌شوند، دست کم آنها را نیز شامل می‌شود. البته نسبت به برخی از گناهانی که بیشتر جنبه اجتماعی دارند حاکم شرعی می‌تواند بر حسب مصلحت، کودک را تنبیه کند.

بحث اخلاقی

تا اینجا جواز فقهی مسئله اثبات شد. اکنون باید دید آیا این امر از لحاظ اخلاقی و تربیتی نیز مطلوب است؟ در این باره باید دو دسته دیگر از روایات را مدّ نظر قرار داد:

یک دسته روایاتی که به رحم، رفق، مدارا و عفو نسبت به کودک امر می‌کنند؛ مثل «احبوا الصبيان و ارحموهم»؛³¹ دوست بدارید کودکان را و به آنها رحم کنید. «لينوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه»؛³² با شاگرد با مهربانی رفتار کنید و احترام استاد را داشته باشید. «اعف عنهم»؛³³ آنها را ببخش. و نظایر این روایات که در منابع روایی ما فراوانند.

لَه لِيْس يَغْضُب لِشَيْء كَعْصَبَه لِلنَّسَاء وَ الصَّبَيَّانِ»؛³⁴ به درستی که خداوند غصب نمی‌کند به چیزی مثل غصب کردن به خاطر زنان و کودکان. «لا ادب مع غصب»؛³⁵ تأدیب همراه غصب نیست.

با توجه به این دو دسته روایات، می‌توان گفت: محبت، رحمت، احترام، عفو و بخشش مطلوبند و تندی و عتاب و خطاب و غصب نسبت به کودک، نه تنها مطلوب نیست، بلکه نهی هم شده است. اما اگر برخی از روایات تنبیه کودک در کار نباشد و یا کارایی خود را نسبت به افرادی از دست داده باشند، و گرنه با توجه به این دو دسته از روایات، تا وقتی راه اصلاح و تأدیب کودک منحصر به تنبیه نباشد و یا دست کم کارایی روش تنبیه در مواردی خاص بیشتر و یا بهتر از روش‌های دیگر نباشد، استفاده از تنبیه جایز نخواهد بود. علاوه بر این، اگر راههای دیگری در کار باشد که کارایی بهتری از روش تنبیه داشته باشند، به موجب آیه «ادْفُعْ بِالْتِيْ هِيَ أَحْسَنُ»³⁶ «باید از آن روش‌ها استفاده کرد.

پس راه اصلی تربیت، رفق، مدارا، محبت، رحمت و عفو است و استفاده از تنبیه در مواردی جایز است که از راه اصلی نتوان به مقصد رسید. پزشک وقتی کارد جرّاحی را به دست می‌گیرد که از درمان بیمار یا دارو مأیوس شده باشد. شاهد این مدعای آن است که در سیره مucchoman علیهم السلام مشاهده نشده است که آنها فرزندان خود و یا کودکان دیگری را تنبیه کرده باشند. البته در موارد نادری برخی از ائمه اطهار علیهم السلام بخد خود را تنبیه کرده و بلافصله، پس از آن پشیمان شده و حتی از عبد خود طلب قصاص نموده‌اند.³⁷ ولی مشاهده نشده است که امامی فرزند خود را تنبیه‌بدنی کرده باشد و این مطلب می‌تواند شاهدی بر این باشد که راه اصلی راهی غیر تنبیه است و ایشان از آن استفاده می‌کرده‌اند تا نیازی به تنبیه بدنی نباشد.

اثر تربیتی تنبیه

آیا تنبیه اثر تربیتی دارد؟ برخی معتقدند: تنبیه تنها اثری که ممکن است داشته باشد این است که کودک را از دست‌زنن به عمل خلاف مدام که بداند تنبیه‌ی در کار است باز می‌دارد و همین که مطمئن شد دیگر تنبیه‌ی در کار نیست دوباره به آن کار دست خواهد زد. برخی دیگر گفته‌اند: اگر تنبیه بجا و بموضع و در حد مطلوب اجرا شود، می‌تواند رفتار نامطلوب را برای همیشه از بین ببرد. اما باید دید روایات در این زمینه چه می‌گویند. در اینجا به دو روایت توجه کنید که می‌توان از آنها چنین استفاده کرد که تنبیه اثر اصلاحی دارد:

1. حضرت علی عليه‌السلام می‌فرمایند: کسی که خوش‌رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد.³⁸

2. نیز آن حضرت می‌فرمایند: راه و روش اصلاح خوبان به بزرگداشت آنهاست و اصلاح بدان به تنبیه و عقاب آنها³⁹.

با توجه به این دو روایت، روشن است که تنبیه اثر اصلاحی دارد و در مواردی که اثر اصلاحی نداشته باشد، دست کم اثر بازدارندگی خواهد داشت که این نیز در امر تربیت مطلوب است، گرچه مطلوب اصلی اصلاح و جایگزینی رفتار مطلوب به جای نامطلوب است.

نکاتی در باب تنبیه

1. تنبیه نباید بیش از مقدار جرم باشد. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآل‌ه در روایت سد بن وداعه پس از آن که سه مرتبه از تنبیه نهی کردند، فرمودند: اگر تنبیه کردي به اندازه گناه تنبیه کن.⁴⁰

2. در تنبیه، باید قوت بدنی، سن و شخصیت افراد را در نظر داشت. در روایت حمّاد بن عثمان، امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هر مقدار که حاکم مصلحت بداند بر حسب مقدار گناه و یا قدرت بدنی مجرم تعزیر کند⁴¹. و نیز از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده است که گاهی نصف یا ثلث شلاق را می‌گرفتند و بر حسب سن کودکان، آنها را می‌زدند. درباره شخصیت افراد نیز حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: کیفر عقولاً با اشاره است و کیفر جهال با تصریح و صراحت. و یا می‌فرمایند: کنایه و تعریض برای عاقل شدیدترین عقاب است.⁴²

3. در حال غضب باید از تنبیه اجتناب کرد؛ چراکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآل‌ه و امیرالمؤمنین علیه‌السلام از ادب کردن در حال غضب نهی کرده‌اند.⁴³

4. اگر کودک پیش از آنکه تنبیه شود متنه شد، نباید او را تنبیه کرد؛ زیرا هدف از تنبیه آگاهی و اصلاح کودک است و وقتی هدف حاصل شد دیگر تنبیه معنا ندارد. نیز اگر پس از تنبیه، رفتار کودک اصلاح شد، دیگر نباید رفتار خلاف را به رخ او کشید و آن را بهانه‌ای برای تنبیه و سرزنش او قرار داد.

5. در صورتی می‌توان کودک را تنبیه کرد که به خلاف و بد بودن عمل و کیفر داشتن آن علم داشته باشد. محمد بن خالد می‌گوید: در مدینه بودم، غلامی را آوردند که مرتکب دزدی شده بود. از امام صادق علیه‌السلام درباره او پرسیدم، حضرت فرمودند: از او می‌پرسی، اگر می‌دانست که دزدی کیفر دارد و کیفر آن چقدر است او را عقاب می‌کنی و اگر نمی‌دانست رهایش می‌کنی.⁴⁴

6. نباید کودک را به خاطر تشیّع خاطر خود تنبیه کرد، بلکه همواره باید صلاح کودک مدد نظر باشد. حضرت علی علیه‌السلام عمر بن عبد‌العزیز را امر کردند تا بر شخصی اجرای حد کند. وی هنگام اجرای حد، آن را ترک کرد. علت را از او پرسیدند، در جواب گفت: در خود غضبی یافتم. سپس امام علی علیه‌السلام فرمودند: سزاوار است معلم کودکان هم اینچنین آنها را مراعات کند تا ادب آنها در راه منافعشان کامل شود و معلم آنان نباید در این قضیه، راهی که نفوذی در قلب آنها نیست انتخاب کند. بنابراین، اگر تأثیر هم بگذارد... خارج از عدالت است.⁴⁵

7. در تنبیه، باید مراحل و مراتب آن را رعایت کرد و باید از مرحله ضعیف شروع کرد؛ زیرا شاید با اجرای مرحله ضعیف - مثلاً تغییر چهره - کوک به اشتباه خود پی ببرد و اصلاح شود که در این صورت، دیگر نیازی به تنبیه بدنی نخواهد بود.

تبیه از نظر متخصصان تعلیم و تربیت

استفاده از تنبیه در امر تربیت، همواره مخالفان و موافقانی داشته است، با این تفاوت که در گذشته، موافقان بیشتری داشته، ولی اکنون مخالفان بیشتری دارد. معروف است که متخصصان تنبیه را - دست کم تنبیه بدنی را - جایز نمی‌دانند و عدم کارایی و یا آثار و مضرات جانبی آن را دلیل بر این امر می‌دانند. ولی باید گفت: اولاً، چنین نیست که تنبیه کارایی نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تنبیه اصلاحگر است، به گونه‌ای که عموم کسانی که در اصلاح رفتار، کتاب نواشته‌اند تنبیه را به عنوان یکی از روش‌های اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده‌اند. ثانیاً، در مواردی که تنبیه اصلاحگر نباشد، دست کم اثر بازدارندگی و عبرت‌آموز برای دیگران دارد و این اثر کمی نیست؛ چه اینکه مواردی وجود دارند که رفتار نامطلوب باید فوراً متوقف شود، به گونه‌ای که اگر متوقف نشود اثرات جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. در این صورت، تنبیه، بخصوص تنبیه بدنی، تنها راه ممکن است؛ زیرا سایر روش‌ها زمان زیادی برای اصلاح و یا توقف رفتار نامطلوب لازم دارند و از این‌روست که یکی از مزیّت‌های روش تنبیه بر سایر روش‌ها را فوریت تأثیر آن می‌دانند. بدین‌روی، معمولاً روان‌شناسان، حتی کسانی که به شدت با تنبیه مخالفند، در مواردی، تنبیه، حتی تنبیه بدنی، را جایز می‌دانند. بنابراین، چنین نیست که از نظر علمای تربیت، تنبیه بدنی بکلی مطروح و منعو باشد. ما در اینجا، نظر برخی از روان‌شناسان و یا فلاسفه‌ای را که در باب تربیت بحث کرده‌اند، نقل می‌کنیم تا شاهدی بر این مدعای باشد.

هیلگارد در زمینه روان‌شناسی می‌نویسد:

قرن‌ها این باور وجود داشته که تنبیه شیوه مؤثرتری برای کنترل رفتار است... تنبیه به طور مؤثری می‌تواند پاسخ‌های نامطلوب را از میان بردارد، به شرط آنکه همراه با آن، پاسخ مطلوبی که رخ می‌کند مورد پاداش قرار گیرد... پدران و مادران اغلب نمی‌دانند چگونه و چه اندازه کودکان خود را تنبیه کنند. در عمل اکثر آنها گهگاه به نوعی محروم‌سازی و حتی ایجاد درد در کودکان متولّ می‌شوند. تنبیه خبری مؤثرترین نوع تنبیه است؛ چون از این راه کوک درمی‌یابد که چه کارهایی مجاز و چه کارهایی غیرمجاز است. کودکان گاه حدّ تحمل را می‌آزمایند تا ببینند تا چه اندازه می‌توانند بدون روبه‌رو شدن با تنبیه در رفتار غیرمجاز خود پیش بروند. در این موارد بهتر است یک شیوه انضباطی محکم، اما نه خشن اتخاذ شود و به صورتی همسان و بلاfaciale به اجرا درآید.⁴⁶

گاتری، که نظریه یادگیری خود را بر اصل «مجاورت» استوار ساخته است، تنبیه را در امر تربیت و یادگیری مؤثر می‌داند. وی می‌گوید:

تبیه نه به سبب ناراحتی‌ای که تولید می‌کند، بلکه به سبب اینکه نحوه پاسخ دهی فرد به حرکت‌های معین را تغییر می‌دهد، مؤثر است... تنبیه به این علت در تغییر دادن رفتار نامطلوب مؤثر است که رفتار ناهمساز با رفتار تنبیه شده را ایجاد می‌کند.⁴⁷

وی همچنین می‌گوید: ما هنگام بحث درباره راه‌های ترک عادت، سه تدبیر مکانیکی را بررسی کردیم که می‌توانند در تغییر تداعی بین حرکتها و پاسخ‌ها به کار روند. تنبیه یکی دیگر از این تدبیر است. تنبیه وقتی که به طور مؤثر به کار رود، سبب می‌شود حرکت‌هایی که قبل‌اً پاسخ نامطلوبی را فرامی‌خوانندن، پاسخ مطلوبی را ایجاد کنند.⁴⁸

بسیاری از مطالعات بیانگر تأثیر تنبیه بر رفتار هستند. این یافته‌ها می‌گویند: میزان تأثیر تنبیه در فرونشاندن رفتار نامطلوب وابسته است به: الف) شدت، مدت، فراوانی و توزیع پیامدهای ناخوشایند تنبیه؛ ب) فواصل زمانی اجرای تنبیه؛ ج) شدت رفتاری که به خاطر آن تنبیه صورت می‌گیرد؛ د) وجود پاسخ‌های جانشین و...). محدودهای که در آن، رفتار متضاد یا مطلوب پاداش داده می‌شود... تنبیه می‌تواند برای سرکوب، یا حذف تقریباً هرگونه رفتار نامطلوب از کودکی اولیه به بعد به کار رود... در روان درمانی، تنبیه در اصلاح رفتارهایی که برای کودکان یا دیگران خطر فوري دارد یا جاهایی که نتیجه فوري لازم است، بهترین کاربرد را دارد.

همچنین موریس در اصلاح رفتار کودکان می‌گوید:

درست همان‌طور که با پاداش دادن به کودک در هر زمان که رفتار مطلوب را انجام می‌دهد می‌توان آن رفتار را نیرومند کرد، با پاداش ندادن قاطعانه به کودک هنگام اجرای اجرای رفتار نامطلوب نیز می‌توان این رفتار را در او کاهش داد... به هر حال، در موقع نادری از تنبیه بدنی - مثل یک سیلی دردناک، یا یک فریاد - باید استفاده شود.⁴⁹

نویسنده کتاب تغییر رفتار و رفتار درمانی، در پایان بحث «تبیه» چنین می‌نویسد:

با توجه به زیان‌های متعدد ناشی از تنبیه و سایر روش‌های تنبیه‌ی، بهتر است هرگز از آن به عنوان روش‌های تربیتی و اصلاحی استفاده نشود و به جای آنها، از روش‌های دیگری استفاده شود. با این حال، ممکن است رفتار فرد چنان وحیم و خطرناک باشد که هیچ روش دیگری - به اصطلاح - جواب ندهد و ناچار کاربرد روش تنبیه تنها روش ممکن باشد؛ مثل وقتی که رفتار نامطلوب فرد، سلامت و بقای خود او یا افراد دیگر را تهدید می‌کند.⁵⁰

سال اکسلرد می‌گوید:

علی‌رغم بعضی از نواقصی که به این روش [تبیه] [نسبت داده‌اند، من معتقدم که تکنیک‌های تنبیه می‌توانند ابزار مفید برای آموزگار باشند. یک دلیل این است که تنبیه احتمالاً در شرایطی مؤثر واقع می‌شود که تکنیک‌های دیگری مانند تقویت یک رفتار ناهمساز و خاموشی کارگر نیستند. همین‌طور روش‌های تنبیه اغلب رفتارهای نامطلوب را سریع‌تر از تکنیک‌های دیگر کاهش می‌دهند.⁵¹.

والترچین و بنکس (1972) معتقدند: «هر کودکی باید بفهمد که در صورت نافرمانی و سرپیچی از اطاعت، بزرگ‌سالان با او برخورد نامطلوب خواهند داشت. اگر کودک به خاطر عمل اشتباه خود تنبیه نشود، تصور می‌کند که عمل او به طور ضمنی تأیید شده است⁵².»

رونالدس /ایلنگورث می‌گوید:

بسیاری از والدین بر این باورند که تنبیه بدنی نادرست و نامطلوب است و به جای آن اغلب از تنبیه ذهنی و روانی که به مرآت خطرناک‌تر است، استفاده می‌کنند. هیچ پدر و مادری هرگز نباید از ابزار تهدید به ترک کودک، یا دوست نداشتن او و یا فرستادن کودک به شبانه روزی‌ها استفاده کند. در تمام مواقع، چه در خانه و چه در مدرسه، سلاح تمسخر، انتقاد و تحقیر کودک بد و نامطلوب است و نتیجه‌ای جز اینکه کودک را غمگین و دچار نالمی سازد نخواهد داشت. در مورد کودکان سنین پیش از دبستان، که به اندازه کافی می‌فهمند، زدن ضربه‌ای آرام به پشت او بدون خطر است. همین تنبیه نیز پس از آن سن،

غالباً غیر ضروري و نامطلوب است. به هر حال، باید توجه داشت که تنبیه بدنی به هیچ عنوان نباید آسیب برساند. همچنین کودک نباید در حضور خواهران و برادران خود تنبیه بدنی شود. احياناً اگر تنبیه شد، پس از آن دیگر نباید با او حرف زد.⁵³

با توجه به آنچه از برخی روان‌شناسان و مربیان نقل شد، روشن است که در تربیت نیز تنبیه، حتی تنبیه بدنی، بکلی مطروح و ممنوع نیست، بلکه در مواردی آن را جایز و حتی لازم می‌دانند.

نتیجه‌گیری بحث

به نظر می‌آید روایات معصومان علیهم السلام تنبیه کودک را در جهت تربیت او جایز می‌دانند، گرچه این روش مطلوبیت اولی را ندارد؛ یعنی مادام که برای تربیت کودک از روش‌های دیگر بتوان استفاده کرد، بهتر است از این روش استفاده نشود و چه بسا اگر از روش‌های دیگر به نحو صحیح استفاده شود، هیچ‌گاه نیازی به تنبیه کودک حاصل نشود؛ ولی در هر حال، اگر در امر تربیت کودک از نظر مربّی به تنبیه او نیاز شد، تنبیه او جایز است و مضرّات فرضی در برابر اصل هدایت و تربیت کودک از اهمیت چندانی برخوردار نیستند، بخصوص اگر بتوان با استفاده از برخی روش‌ها مضرّات فرضی را کاهش داد و یا حتی آنها را از بین برد.

منابع •

- ۱- اکسلرد، سال، *تغییر رفتار در کلاس درس*، ترجمه منیجه شهنهی بیلاق، تهران، فردوس، ۱۳۶۸
- ۲- ایلینگورث، رونالدس، *کودک و مدرسه*، ترجمه شکوه نوایی‌نژاد، تهران، رشد، ۱۳۶۸
- ۳- تمیمی آمدی، محمدبن، *غیر الحكم و درر الكلم*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۶، ج ۲
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷
- ۵- سویدی، ابن عبدالحفيظ، محمد نور، *منهج التربية للطفل*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- ۶- سیف، علی‌اکبر، *تغییر رفتار و رفتار درمانی*، تهران، دانا، ۱۳۷۴
- ۷- ——، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران، آگاه، ۱۳۶۸، ج چهارم
- ۸- شهید ثانی، منیه‌المرید فی ادب المفید و المستفید، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۴
- ۹- عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴، ج ۱۸
- ۱۰- عبدالغنی، عارف، *نظم التعليم عند المسلمين*، دمشق، دارالکنعان، ۱۴۱۴

- عطائی، علی، آراء الفقهاء و المراجع فی حکم تأذیب الصبيان و ضریبهم، به نقل از: محمدجواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۷، ج ۴
- کلینی، محمّدبن یعقوب، *الكافی*، ترجمه محمّدباقر کمره‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۲، ج ۴
- متقی هندی، حسام الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۵، ج ۱۶
- مجلسی، محمّدباقر، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۴
- محقق کرکی، *جامع المقادیص*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸، ج ۷
- موریس، ریچارد جی، *اصلاح رفتار کودکان*، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳
- نوری، میرزا حسین، *مستدرک‌الوسائل*، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۷، ج ۱۵
- .. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۷۷، ج چهارم.. هرگنهان، بی: آر هیشمی، حافظ نورالدین، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتاب، ۱۴۰۸، ج ۸
- هیلگارد، ارنست، زمینه *روان‌شناسی*، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، تهران، رشد، ۱۳۷۵، ج ۱